

تبیین استلزامات سیاسی - معرفتی مقوله گفت و گو در نگرش شهید بهشتی

سید خدایار مرتضوی

چکیده:

با توجه به تربیت یافتن شهید بهشتی در فرهنگ ایرانی - اسلامی و آگاهی او از مبانی فکری و فلسفی فرهنگ و تمدن غرب، کنکاش از نگرش وی در باب مقوله گفت و گو کنکاشی بجا و شایسته است. مهم تر اینکه ایشان در سراسر زندگی خود، چه در دوران قبل از انقلاب اسلامی و چه پس از آن، همواره اهل گفت و گو بوده است، آن هم نه تنها با دوستان و همراهان بلکه با مخالفان و دگراندیشان و حتی با دشمنان خود. بررسی گروهی آثار هگل و کانت و مارکس، برگزاری جلسات گفتگو با اعضای اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان ایرانی خارج از کشور، گفتگو با دبیران تعلیمات دینی و مربیان مدارس اسلامی، گفت و گو با اولیاء و مربیان مدارس رفاه و دین و دانش، گفتگو با دکتر شریعتی و مخالفین وی در حوزه های علمیه، جلسات هفتگی تفسیر قرآن، مناظره های تلویزیونی با مارکسیست ها و جلسات تبیین مواضع تفصیلی حزب جمهوری اسلامی مصادیقی از پایبندی عملی شهید بهشتی به این مقوله می باشند. از این لحاظ، وی در میان همتایان روحانی و روشنفکران دینی و سایر مبارزان انقلابی، اعم از چپ و راست، نمونه ای مثال زدنی و چهره ای کم نظیر بشمار می آید و مقوله گفت و گو در بینش و منش ایشان، چه از بعد عملی و چه از بعد نظری جایگاهی مهم و قابل تأمل دارد. مقاله حاضر ضمن بررسی مختصر مهمترین مصادیق عملی گفت و گو در حیات وی، در پی تبیین این مقوله از منظر استلزامات و دلالت های سیاسی، انسانشناختی و معرفت شناختی است.

واژگان کلیدی: گفت و گو، شهید بهشتی، انسان، معرفت، سیاست، اسلام، بینش و منش.